

مدرسه؛ قطار زندگی

■ الهام اعتمادی فر

مدیر دبستان دخترانه دوره اول، ناحیه ۲



الهام اعتمادی مدرک کارشناسی رشته ریاضی از دانشگاه یزد و کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی از دانشگاه آزاد یزد دارد. مدرس روش تدریس کتاب ریاضی پایه چهارم به آموزگاران ابتدایی و مدرس استانی روش تدریس کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم در سال‌های گذشته بوده است. وی هفده سال سابقه کار در آموزش و پرورش دارد که ده سال را با جوادالائمه (ع) همکاری داشته و چهار سال است که سمت مدیریت مجتمع را دارد.

رسول اکرم (ص): «به فرزندان خود احترام بگذارید و با آداب و روش پسندیده با آنان معاشرت کنید.»

با تفکر در حدیث فوق درمی یابیم که رفتار ما چه تأثیری می‌تواند در شخصیت کودکانمان داشته باشد. به عبارتی، ما آینه رفتارهای کودکانمان هستیم و منشأ هر آنچه را آن‌ها انجام می‌دهند، باید در خودمان جست‌وجو کنیم. در حوزه تعلیم و تربیت، بسیار بر این موضوع تأکید شده است که برای اصلاح رفتار بچه‌ها نخست باید الگوی خوبی باشیم و ضمن اینکه از حال خوب آنان مراقبت می‌کنیم، مواظب قضاوت‌هایمان هم باشیم. در این نوشتار قصد دارم به بیان آنچه از کتاب توتوچان، دختری آن سوی پنجره آموخته‌ام، بپردازم. نویسنده در این کتاب خاطرات دوران دبستان خود را به نگارش درآورده است که در ضمن آن می‌توان به نکات جالبی دست یافت: توتوچان داستان دختر بچه‌ای است که اگر والدین به قضاوت و تشخیص اولین آموزگار او اکتفا کرده بودند، باید به عنوان فرزندی که اختلال اوتیستیک یا بیش‌فعالی دارد و نیازمند درمان است، با او رفتار می‌کردند یا شاید تصمیم به محروم کردن او از درس و مدرسه می‌گرفتند. از نظر این آموزگار، توتوچان دانش‌آموز بی‌نظمی است که مرتب بودن، نشستن و رفتار مناسب را یاد

نگرفته است و گاهی در توهم به سر می‌برد، پس سزاوار تنبیه سختی است. اما تدبیر مادری دلسوز، صبور، همراه ولی دل‌شکسته که توجه خاصی به زندگی تک‌فرزند خود دارد، حق انتخاب مدرسه‌ای دیگر و ادامه تحصیل را برای این دختر فراهم می‌کند. با این حرکت مادر، سرنوشت دختر هم تغییر پیدا می‌کند. مدرسه جدیدی که توتوچان در آن ثبت‌نام می‌شود، مدرسه‌ای است که آقای کوبایاشی تأسیس کرده است. ساختمان این مدرسه واگن‌های قطاری، واقع در طبیعت‌اند که با حضور مدیری آگاه، باتجربه، عامل، اهل مطالعه، کم‌ادعا و به‌روز به محلی برای توانستن، زیستن و باهم‌زیستن تبدیل شده است. آقای کوبایاشی نگاهی متمایز به مقوله تعلیم و تربیت دارد. برخی از ویژگی‌های این مدیر نواندیش به شرح زیر است:

○ او می‌داند که با نظرخواهی از کودک و مشورت با او شاهد رشد شخصیت، حس ارزشمندی و منزلت و همچنین پرورش اعتماد به نفس آن کودک خواهد بود؛ پس توتوچان را برای شروعی نو با نگاهی خاص می‌پذیرد.

○ او آگاه است که با برقراری رابطه عاطفی پایدار با بچه‌ها، شاهد همراهی بهتر آنان در فعالیت‌های کلاسی خواهد بود؛ پس با ایجاد حس امنیت و آرامش در توتوچان، عشق به حضور در مدرسه را در او پدید می‌آورد.

○ وی تغذیه را یکی از عناصر اصلی یادگیری مؤثر می‌داند، چرا که کودک گرسنه یا کودکی که سوءتغذیه دارد، همیشه حواس پرت است؛ بدین‌گونه مراقب تغذیه و صرف وعده غذایی سالم بچه‌هاست و در ایجاد الگوی غذایی سالم و آداب غذا خوردن در ذهن آنان برای زندگی آینده، با برنامه‌ای شاد و متفاوت اهتمام می‌ورزد.

○ آقای مدیر مطلع است که بچه‌ها دوست داشتن و ارزشمند بودن را با میزان توجه دیگران به گفتار و رفتارشان معنا می‌بخشند؛ پس در طول مدت چهار ساعت صحبت با توتوچان، حواسش به جای دیگری نیست و نیاز به تشویق و توجه را در او حس می‌کند.

○ او می‌داند که می‌تواند شخصیت و عظمت خود را هنگام شوخی، بازی و بگوبخند و حتی در حال پریدن بچه‌ها بر سروکولش هم حفظ کند؛ چرا که معتقد است مدیری که خود تربیت یافته، مؤدب و هدف‌دار باشد می‌تواند تربیت و هدفش را به کودک منتقل کند؛ بنابراین آموزش آداب اجتماعی را با معذرت‌خواهی و

تشکر کردن و... به صورتی دوستانه به آن‌ها یاد می‌دهد.

○ او می‌داند برای شکوفایی استعداد بچه‌ها، باید روحیه پژوهش، انگیزه و تشویق به فعالیت‌های غیرکلاسی را در آن‌ها ایجاد کرد. معلم شوخ‌طبع، خوش‌رو و دارای علایق هنری رشد خلاقیت بچه‌ها را تحریک می‌کند. او موسیقی را با ذوق به بچه‌ها می‌آموزد، به نمایش اهمیت می‌دهد، بچه‌ها را برای فعالیت‌های مورد علاقه خودشان تشویق می‌کند و توجه به تربیت تمام‌ساحتی دارد.

○ مدیر این مدرسه می‌داند بهترین سرمایه‌گذاری ممکن، سرمایه‌گذاری روی خود است؛ پس فعالیت‌هایی را طراحی می‌کند که بچه‌ها در انجام آن بهتر عمل کنند و فرصت‌هایی برای تمرین و اجرا به آن‌ها می‌دهد و با جملات مثبت با بچه‌ها صحبت می‌کند، به گونه‌ای که توتوچان سال‌هاست که این جمله مدیر را به یاد می‌آورد: «تو دختر خوبی هستی.»

○ او می‌داند در صورت انجام کار اشتباه توسط کودک، نباید در او احساس گناه، بخشیده نشدن یا جبران نشدن آن اشتباه را ایجاد کند. او اشتباه کودک را برای او در نقش یک معلم می‌داند و لحظه اشتباه کردن را تبدیل به لحظه یادگیری می‌کند. وی همچنین با تسلط روی احساسات خود به بچه‌ها یاد می‌دهد چه کارهایی را انجام دهند و چه کارهایی را نباید انجام دهند، در حقیقت اجازه اشتباه کردن را به آن‌ها می‌دهد.

○ او هم قد بچه‌ها می‌شود. هوشمندانه و آگاهانه مسیر بازی‌ها، بازبدها و اردوها را به گونه‌ای هدایت می‌کند که بچه‌ها با شوق، زندگی کردن را یاد بگیرند، بیاموزند چگونه رفتاری پسندیده است، گفت‌وگو و شادی کنند و از هم یاد بگیرند.

این گوشه‌ای از خصوصیات یک فرد توانمند آشنا با تعلیم و تربیت است که با

رفتاری تأثیرگذار آینده‌ای روشن را برای دانش‌آموزانش رقم زده است، به گونه‌ای که توتوچان حواس پرت و بی‌نظم دیروز تبدیل به خانم مجری محبوب و صاحب یک برنامه (شوی) تلویزیونی، نویسنده و هنرمند امروز شده است. ■

